

## بازخوانی اندیشه بیداری اسلامی امام خمینی (ره) در اشعار مصطفی جمال الدین

روح‌الله صیادی نژاد<sup>۱</sup>  
عبدالحسین ذکائی\*<sup>۲</sup>  
ابوالفضل ذکائی<sup>۳</sup>

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.
۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.
۳. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشکده تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، اصفهان، ایران.

### چکیده

با شروع قرن بیستم و در تقابل با تمدن غرب، نخبگان جامعه‌ی اسلامی با رویکردی جدی به مسائل روز نگریده و تلاش کردند تا مفهوم بیداری اسلامی را در نزد ملل مسلمان زنده نمایند. در این میان، امام خمینی با اهتمام به این مفهوم و در راستای رسیدن به مرحله‌ی تمدن اسلامی، به تبیین اندیشه‌های خود برای جهانیان پرداختند. در جهان اسلام نیز اندیشمندان، ادیبان و سیاستمداران وجود داشته و دارند که تمام تلاش خود را مصروف پوشاندن جامعه‌ی عمل بر این اندیشه‌ها نمودند. مصطفی جمال‌الدین (شاعر و مبارز مسلمان عراقی) یکی از این افراد بود که به علت نزدیکی افکارش به امام خمینی، از ایشان تأثیر پذیرفت.

در این پژوهش، نگارنده به دنبال یافتن پاسخ این سؤال است که اندیشه‌های بیداری اسلامی امام خمینی، چگونه بر تفکرات جمال‌الدین و اشعار او اثر گذاشته است؟ وی بازخورد این اندیشه‌ها و تأثیرپذیری‌اش را از حضرت امام به‌خوبی در قصیده‌ی (معلم الامه) نشان می‌دهد. او معتقد است که امام، با توانایی بالایی که از علمای مکتب اسلام، به‌ویژه شیخ مفید به دست آورده با غرب و شرق مبارزه نموده و پیام انقلاب اسلامی را به‌تمامی کشورهای مسلمان می‌رساند و از این‌رو، حتی رحلت ایشان نیز حاوی پیامی در جهت بیدار ساختن امت اسلامی است.

**واژگان کلیدی:** امام خمینی ره، مصطفی جمال‌الدین، بیداری اسلامی، التزام، عراق، انقلاب اسلامی.

از مهم‌ترین دغدغه‌های نخبگان سیاسی و دینی در جهان اسلام، روشنگری و پرداختن به ضرورت‌هایی است که ضمن تقویت اسلام، تمدن اسلامی نیز برپا شود. منتقدان در این رابطه معتقد به گذار از سه مرحله‌ی اساسی هستند، «مرحله‌ی نهضت (قبل از پیروزی انقلاب)، مرحله‌ی دولت (نظام‌سازی) و مرحله‌ی تمدن اسلامی» (نجفی، ۱۳۸۸: ۲۲۵). از این‌رو فرآیند روشنگری، تنها با بیداری امت اسلامی نمود یافته و به‌صورت خیزش عمومی نخبگان و مردم مسلمان برای احیای هویت اسلامی و بازگشت به عزت دینی (نجفی، ۱۳۹۱) تفسیر می‌شود.

با شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران تحت رهبری امام خمینی، خیزش امت اسلامی بر علیه طاغوت در جهان اسلام به‌سرعت گسترش یافت. دلیل این تأثیرگذاری را می‌توان در جامعیت نظرات امام دانست که مبتنی بر فطرت انسانی بود. از این‌رو، افکار سیاسی ایشان در عراق نیز مورد توجه قرار گرفت. اشعار مصطفی جمال‌الدین به‌عنوان یک روحانی مبارز و ادیب عراقی نشان‌دهنده عمق نفوذ اندیشه‌های بیدارگرانه امام در میان شیعیان عراق می‌باشد. حال، سؤال اساسی پژوهش حاضر آن است که: اندیشه‌های بیداری اسلامی امام خمینی چگونه بر تفکرات جمال‌الدین و شعر او اثر گذاشته است؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود که جمال‌الدین در بستر التزام دینی و الهام از اندیشه‌های امام و انقلاب اسلامی، راهکار مناسب را برای برچیدن بساط ظلم و ستم در عراق، بازگشت به خویشتن و بیداری مسلمین می‌داند.

پس از ظهور موج جدید بیداری اسلامی، ابعاد این حرکت از سوی محققان مورد بحث و بررسی قرار گرفت، لکن تأثیر اندیشه‌های امام خمینی در حرکت شیعیان عراق به‌طور عام و اثرگذاری این اندیشه‌ها بر ادبیات بیداری عراق به‌طور خاص از مباحثی می‌باشد که از مطالعه پژوهشگران مغفول مانده است. به همین جهت، انجام پژوهش پیش رو مهم می‌نماید.

## ۱. امام خمینی و اندیشه‌ی بیداری اسلامی

نقطه آغازین افکار بیدارگرایانه امام خمینی را می‌توان در سخنرانی‌ها و مقابله مستقیم او با رژیم پهلوی در سال ۱۳۴۲ جستجو نمود. ایشان در این ایام سکوت جامعه را برای اسلام خطر دانسته و فرمودند: «روحانیت و اسلام در معرض خطر است. سکوت در مقابل دستگاه فاسد جبار برای ملت اسلام ننگ است» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۰۰). از نظر

امام بیداری امت‌ها به‌طور عام و امت اسلام به‌طور خاص از چنان اهمیتی برخوردار است که رسالت انبیا الهی نیز در این چارچوب ارزیابی می‌شود: «وقتی که تاریخ انبیا را ملاحظه کنید می‌بینید که انبیا آمده‌اند مردم را بیدار کنند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸: ۲۹۱). از همین رو ایشان نیز برای خود به‌عنوان یک مرجع دینی رسالت بیدار گونه قائل بوده و نه تنها در بیداری امت اسلامی، بلکه در بیدار ساختن ملت‌های غیرمسلمان نیز کوشیدند. امام با افق‌نگاهی وسیع، همواره خواستار بیداری کشورهای تحت ظلم و ستم بودند و غفلت ملت‌ها را عامل چپاول هر چه بیشتر منافع کشورها دانسته و فرمودند: «شرق [کشورهای که از سوی غرب به آن‌ها ستم روا داشته شده] باید بیدار بشود... اگر بیدار نشویم... همه ما طعمه آن‌ها [کشورهای استعمارگر غربی] خواهیم بود» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۳۶۱). البته در این مسیر، دول غربی از دخالت و تفرقه‌افکنی میان مسلمین دست برنداشته و دسیسه‌چینی می‌کنند. «این‌ها نقشه‌هایی بوده است که این‌ها [دول غربی] درست کردند و کشیدند و این‌ها [مسلمین] را مقابل هم قرار دادند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۳۹۲). به همین جهت، امام خمینی بیداری را در سطح ملت‌ها مطرح کرده و با انتقاد از دولت‌های کشورهای مسلمان فرمودند: «مسلمین باید بیدار شوند، ملت‌ها، دولت‌ها را من از اکثرشان مأیوس هستم، لکن ملت‌ها باید بیدار شوند و همه تحت لوای اسلام... باشند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۲: ۳۱۹).

امام خمینی در راه مبارزه با طاغوت و استکبار جهانی پس از رساندن پیام خود به ملت ایران و بیداری آن‌ها همواره بر مسئله صدور انقلاب اسلامی نیز تأکید داشته‌اند. از منظر ایشان «جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۸۷) و از همین رو «مسئولان ما [کارگزاران نظام جمهوری اسلامی] باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت ارواحنا فداه است ... باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آن‌ها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۳۲۷). بنابراین در اندیشه امام، صدور انقلاب هم یک تکلیف است و هم تاکتیکی تهاجمی بر دشمنان انقلاب (موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴: ۱۹). لکن نکته اساسی در مسالمت‌آمیز بودن این حرکت است. چراکه امام برای صدور انقلاب، راه‌های بسیار مسالمت‌آمیز و درعین‌حال قابل اجرایی را در دستور کار قرار دادند (موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴: ۲۶۲) که از آن جمله می‌توان به

تبلیغ اسلام راستین، آشنایی دولت‌ها و ملت‌ها با نقشه استعمار، دعوت ملت‌ها به عزت و افتخار و در نهایت بیدارسازی افکار مسلمین در تمامی بلاد اسلامی اشاره داشت. این حرکت‌های تجدید حیات طلبانه به سرعت در جهان اسلام و خصوصاً در جهان تشیع ظهور و بروز جدی یافت. عراق یکی از کشورهایی است که با الهام از اندیشه امام خمینی به مبارزه با طاغوت و استکبار پرداخته و در این میان افراد مبارزی همچون مصطفی جمال‌الدین با بهره‌گیری از اشعار و ادبیات خود آینه تمام نمای افکار بیدار گرایانه امام در این کشور می‌باشند.

## ۲. مصطفی جمال‌الدین

مصطفی جمال‌الدین (۱۹۲۷-۱۹۹۶) شاعر عراقی در حوالی نجف چشم به جهان گشود. پدر بزرگش مرجع دینی عشایر بود. این موقعیت برای او کافی بود تا رهسپار نجف شود و در آن دیار علاوه بر تحصیل علم به ادبیات و سیاست اهتمام ورزد. او در مدت تحصیل در حوزه علمیه نجف، تحت تعالیم و آموزه‌های هویت طلبانه اسلامی آیت‌الله محمدباقر صدر قرار گرفت.

با آغاز مبارزه مردم ایران با رژیم پهلوی، حوزه علمیه نجف به دفاع از مبارزان ایرانی می‌پردازد. از این رو آیت‌الله صدر در پیامی اعلام می‌دارد: «کسانی که در ایران برای دفاع از اسلام و مسلمین [بر علیه رژیم پهلوی] قیام کرده و کشته می‌شوند، شهید می‌باشند» (علیخانی، ۱۳۹۰، ج ۱۸ : ۱۶) ایشان همچنین انقلاب اسلامی را رها بخش بشریت دانسته و می‌گویند: «در این زمان که اسلام از صحنه اجتماع خارج شده است و هیچ نقشی در اداره امور عمومی ندارد از طریق انقلاب سیاسی و اجتماعی بنیادین بر مبنای اسلام یا انقلاب اسلامی می‌توان سعادت انسان تأمین گردد و بحران زمانه از بین برود و نظام سیاسی اجتماعی صالح به وجود آید» (علیخانی، ۱۳۹۰، ج ۱۸ : ۳۴ و ۳۵). فلذا از اینجاست که جمال‌الدین با انقلاب مردم ایران آشنا می‌شود و به سان استاد خود، آیت‌الله صدر، به آن دل‌بسته شده و راه نجات امت اسلامی را حرکت انقلابی علیه طاغوت می‌بیند.

امام خمینی در ادامه تبعید خود از ترکیه به نجف عازم می‌شود و ارتباط گسترده‌ای با حوزه علمیه و علمای عراق به خصوص آیت‌الله صدر پیدا می‌کند. این همکاری‌ها از چشم جمال‌الدین دور نمانده و او نیز در همین مسیر قدم برمی‌دارد. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران روح امید در جریان مبارز عراقی دمیده می‌شود. در این ایام آیت‌الله صدر

برای تشدید قیام در عراق، درس خارج فقه خود را تبدیل به درس تفسیر کرد و اقدام به نگارش سری شش‌گانه موضوعات سیاسی و اقتصادی نمود و آن را تحت عنوان «الاسلام یقود الحیاء» به مردم ایران هدیه کرد. از بین این مجموعه، اولین آن، با عنوان «طرح پیش‌نویس برای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» ارائه شد (علیخانی، ۱۳۹۰، ج ۱۸ : ۵۱). او همچنین در دیگر کتب خویش مقدمات تئوریک حکومت اسلامی را پایه‌گذاری می‌کند: اقتصادنا، فلسفتنا، المدرسه الاسلامیه، بحث حول المهدي، بحث حول الولاية، الفتاوی الواضحه (معموری، ۱۳۷۹ : ۵۱).

به دلیل فتاوی آیت‌الله صدر در تحریم پیوستن و عضویت در حزب بعث، و جوب قیام مسلحانه علیه بعثی‌ها و اندیشه‌هایش در لزوم تشکیل حکومت اسلامی و ضرورت دفاع از جمهوری اسلامی، موجب مخالفت‌های گسترده مردمی با دولت بعثی گردید (شیرودی، ۱۳۸۳ : ۱۷۰). سرانجام ایشان به دست نیروهای بعثی در تاریخ ۱۹ فروردین ۱۳۵۹ در حالی که ذره‌ای از اهداف بیدارگرایانه امام خمینی کوتاه نیامد به شهادت رسید. با این اوضاع، نیروهای معتقد به تجدید حیات هویت اسلامی برای مدتی کوتاه تضعیف شدند. با شروع جنگ عراق علیه ایران و شهادت آیت‌الله صدر، رژیم بعث جمال‌الدین را که از بازماندگان حرکت بیداری اسلامی در عراق بود تحت فشار گذاشت تا در مشروعیت جنگ علیه ایران فتوا دهد، لکن او در پی این فشارهای سیاسی قامت خم نکرده و گفت : «آیا من مرجعی بزرگ هستم تا این حق را داشته باشم که در چنین مسئله‌ای فتوا دهم؟» (جمال‌الدین، ۱۴۱۸ : ۷۸). فشارهای رژیم بعث ادامه یافت تا اینکه جمال‌الدین به‌طور پنهانی از عراق خارج شده و پس از مدت‌ها آوارگی نهایتاً در سوریه ساکن شد و در دوران تبعیدش در سوریه، شیعیان عراق با مشارکت خانواده او انقلاب شعبانیه<sup>۱</sup> را بر ضد ساختار دیکتاتوری حزب بعث به راه انداختند. جمال‌الدین در این ایام با بهره‌گیری از ادبیات و شعر خود به حمایت از این حرکت انقلابی که برگرفته از انقلاب اسلامی ایران و حرکت احیاءگرایانه امام خمینی بود، پرداخت. او تا آخرین روزهای حیات خود بر ادامه حرکت بیداری اسلامی تأکید داشته و این امر در اشعار او به شیوه‌ای ظریف منعکس شده است.

### ۳. ادبیات متعهد در اشعار جمال‌الدین

وقتی که در دایره‌ی خرد هنرمند، بین زیبایی و سودمندی تفاوت حس می‌شود، جدال پیرامون آزادی و تعهد بین طرفداران ادبیات آزاد و ادبیات متعهد درمی‌گیرد (خضر، ۱۹۷۳: ۳۶) و شاعر خود را در برابر این دو رویکرد می‌بیند و به‌ناچار باید یکی را برگزیند و البته عجیب نیست که جمال‌الدین تعهد را به‌عنوان قله‌ی خیال شاعرانه‌اش می‌شناسد و با برگزیدن التزام منطقی در مقابل تحجر و خشک‌مغزی بر این اندیشه است که چنین ادبیاتی، از ملت عراق، امتی داری رسالت و هدف می‌سازد (جمال‌الدین، ۱۴۱۵: ۸۸). جمال‌الدین با چنین دیدگاهی دریافت که باید از التزام خویش استفاده کرده و اندیشه‌های خود را با زبان فراگیر شعر عرضه کند. التزامی که به عقیده حلاق (۱۹۶۸) به‌منزله‌ی جزئی از ذات اثر ادبی و حاصل تعامل مستمر و پویا بین ادیب، زندگی انسان است.

### ۴. انگیزه‌های التزام

در تحلیل انگیزه‌های التزام جمال‌الدین، باید به سه عامل مهم توجه کرد. نخست آنکه شاعر در عراق زیسته، کشوری با سابقه‌ای پر از تنش و انقلاب که بر او نیز تأثیر گذاشته است. عامل دوم تشیع جمال‌الدین است که انگیزه‌ی او را برای دفاع از آرمان‌هایش می‌افزاید و عامل آخر موقعیت اجتماعی او می‌باشد که در کسوت سیادت و رهبری عشیره وظیفه‌ای را بر دوش خودش احساس می‌کرد.

ظهور و بروز این سه ویژگی را می‌توان در مقدمه‌ی دیوان جمال‌الدین ملاحظه نمود: «تا به امروز کسی مرا ندیده است که از مشارکت در مورد مسائل وطن، امت اسلامی و یا اعتقاداتم از قافله عقب بمانم، و ریشه‌ی شعرم از وهران<sup>۲</sup> تا صحرای طبرس را دربرمی‌گیرد» (جمال‌الدین، ۱۴۱۵: ۸۷). همچنین او در جای دیگر عرب‌گرایی خویش را چنین شرح داده و می‌گوید: «عربیتی که من از آن دم می‌زنم ملی‌گرایی بسته‌ای نیست که در ذهن‌ها وجود دارد، بلکه به‌منزله‌ی جسمی است که اسلام روح آن است» (جمال‌الدین، ۱۴۱۵: ۹۳). جمال‌الدین در شعرش پیوسته خواهان روح عربی و اسلامی است. لکن با شروع انقلاب اسلامی و تبلیغات مسموم رژیم بعث و هم‌چنین غیر عرب‌خواندن<sup>۳</sup> شیعیان بین شیعه و سنی اختلاف پدید می‌آید و با اوج‌گیری سرکوب‌ها که نقطه‌ی عطف آن در انقلاب شعبانیه رقم خورد، شیعیان مبارز عراق که اکنون نیازمند پشتیبانی اعراب بودند، به ناگاه با سکوت و حتی مخالفت انقلابیون در کشورهای عربی روبرو شدند. از این‌رو، جمال‌الدین در سال ۱۹۹۱ در یک سخنرانی با عنوان (حاشیه‌ای بر رنج

شیعیان عراق)<sup>۴</sup> خطاب به اعراب از سکوت آن‌ها در برابر بیدادگری طاغوت انتقاد کرد: «موضع‌گیری‌های سیاسی و ادبی در نجف که از ابتدای این قرن تا به امروز در حمایت از عرب‌ها و مسلمان انجام شده، اکنون به فراموشی سپرده شده است؟... آیا در ۱۹۱۱ برای برقه و طرابلس، فتوای جهاد در نجف صادر نشد؟» (جمال‌الدین، ۱۴۱۸: ۲۶۵).

شاعر در سال بعد، قصیده‌ای بانام «یقظان» می‌سراید و در آن بر مظلومیت شیعیان عراق و سکوت بی‌پایان ملت عرب تأکید می‌کند:

فَاجَاتَهُ أَنْ الْعَرَبُ رَوْبَهُ (أُمَّ) مَالَهَا - عِنْدَ حُزْنِهِ - أَجْفَانُ !!  
طَرَدَتْهُ (هَـ) وَوَاوَزْنَ) فَأُجَارَتْ هـ (قُرَيْشٍ) . . . لَكُنْهُمْ (رُؤْمَانُ) !!

(جمال‌الدین، ۱۴۱۵: ۲۶۶)

ترجمه: عراقی از این به شگفت آمد که عربیت را بسان مادری می‌پنداشت (که در شعبانیه باید با او ملاطفت می‌کرد). ولی روی خود را از عراقی‌ها برگرداند. وهوازن (کشورهای عربی) او را طرد کردند و قریش فرنگ (بریتانیا) به او پناه داد.

جمال‌الدین از این واقعیت رنج می‌برد اما ضرورت را در دامن نزدن به اختلافات طائفی می‌دانست. در چنین چالشی، شیعیان چاره‌ای جز پناه بردن بر هم‌کیشان خود در ایران نداشتند. به‌علاوه حضور امام در سال‌های تبعید در عراق و نزدیکی وی با آیت‌الله محمدباقر صدر از دلایل مؤثر در گرایش نسل جدید متفکران شیعه عراق و از جمله جمال‌الدین به اندیشه‌های امام خمینی بود.

شباهت اندیشه‌های جمال‌الدین با امام خمینی به حدی است که اگر شاعر در یکی از ابعاد سیاسی، اجتماعی و یا در بحث مرجعیت دینی هم‌پایه‌ی امام بود، می‌توانستیم به مطالعه‌ی تطبیقی بین این دودست بزنیم. جمال‌الدین در مورد اصلاح حوزه، مبارزه با استکبار، مسئله‌ی فلسطین، وحدت اسلامی و مسئله‌ی بازگشت به خویشتن متأثر از اندیشه‌های امام خمینی بوده و همه این مسائل را به‌خوبی در دیوانش به نمایش گذاشته است. هرچند بررسی افکار جمال‌الدین در بستر اندیشه‌ی بیداری اسلامی به دلیل نبود ارتباط نزدیک بین وی و امام، در وهله‌ی اول دشوار به نظر می‌رسد، لکن با نگاهی به انگیزه‌های التزام در افکار و اشعار او، این امر قابل تفسیر است.

در میان دیوان اشعار جمال‌الدین، می‌توان در قصیده «معلم الامة»، رگه‌هایی از تفکر بیدارگرانه امام خمینی را به‌وضوح مشاهده کرد

## ۵. قصیده معلم الامه

جمال‌الدین در سال ۱۹۹۳ [پس از رحلت امام خمینی] و چندی پس از شکست انقلاب شعبانیه، این قصیده را سرود. بررسی این شعر از میان دیوان او می‌تواند ریشه‌های تفکر بیداری اسلامی وی و مردم عراق را که الهام گرفته از مکتب امام خمینی است، به تصویر کشد. او در این قصیده، رهبری امام خمینی را برای خود و شیعیان عراق، امری عقلی و شرعی می‌پندارد.

جمال‌الدین در این قصیده که به بهانه گرامیداشت هزاره شیخ مفید (ره) در تهران برگزار شد به حوادث جاری منطقه در سه بخش می‌پردازد که عبارت‌اند از: ۱. شیخ مفید؛ احیاگر تشیع پویا ۲. امام خمینی؛ احیاگر شخصیت و منش شیخ ۳. صدام و حکام عرب؛ سدی در برابر بیداری.

برای یافتن شباهت‌ها بین امام و شیخ مفید، نخست باید آثار امام را مورد تحلیل و بررسی قرار داد. ایشان در کتاب ولایت فقیه پیرامون روایتی از پیامبر اکرم (ص) که برای خلفای بعد از خودشان از عبارت (معلمان مردم بعد از خود) استفاده می‌کنند، می‌گویند: «ما که می‌گوییم شیخ صدوق (ره) با شیخ مفید (ره) فرق دارد، مراد این نیست که شیخ صدوق فقاقت نداشته یا اینکه فقاقت او از مفید کمتر بوده است... لکن فرق ایشان با مفید این است که مفید و امثال ایشان از مجتهدینی هستند که نظر خودشان را در روایات و اخبار به کار می‌برده‌اند؛ و صدوق از فقهایی است که نظر خود را به کار نمی‌برده، یا کمتر به کار برده‌اند. حدیث آن‌هایی را شامل می‌شود که علوم اسلام را گسترش می‌دهند، و احکام اسلام را بیان می‌کنند، و مردم را برای اسلام تربیت و آماده می‌سازند تا به دیگران تعلیم بدهند» (امام خمینی، ۱۳۹۰: ۶۲).

همین گفته‌ها کافی است که تشابه اصول فکری امام با شیخ و برداشت درست شاعر از عمل‌گرایی فقهی امام را نشان دهد. جدای از نظرات مشابهه فقهی، هر دو فقیه در زمانه‌ای پر تشقت زیسته و اندیشه‌ی آن‌ها در بیدارگری امت اسلامی در واقع، نمود حوادثی است که در زمانشان رخ داده است. آیت‌الله جعفر سبحانی (۱۳۷۲) در این مورد معتقدند که به علت گسترش فتوحات و هم‌چنین علوم در زمان شیخ، مسلمانان با مسائل و شبهات جدید در زمینه‌های مختلف روبرو گردیده‌اند و به علت ضعف دولت عباسی، امپراتوری اسلامی دچار انشعاب گردید و دولت‌های کوچکی در هر سو سر برداشتند. از همین رو می‌توان گفت وضعیت دوران معاصر نیز بی‌شبهت به قرن چهار و پنج و چندپاره شدن ممالک اسلامی نیست.



کلماتی از قبیل «ریشه‌ها»، «خون در رگ» و «افق گسترده» نیز در بخش اول قصیده، اشاره به همین تشابه دارد و لذا شاعر از رهگذر نماد و تصویر به این مطلب دست می‌یابد.

جُدُورُكَ فِي بَغْدَادَ ظَامِئَةً سَعْبِي وَظِلِّكَ فِي طِهْرَانَ يَحْتَضِنُ الْعُرْبَا  
أَنَّ دَمًا مِنْ قَلْبِ (قَحْطَانَ) لَمْ يَجِدْ شَرَائِينَهُ، فَاخْتَارَ مِنْ (فَارِس) قَلْبَا  
وَلَكِنَّ مَوْفُورَ الْجَنَاحِينَ إِنْ يَضِقُّ بِهِ الْوَكْرُ يَوْمًا يَمْتَطِ الْأَفْقَ أَلْرَحْبَا

(جمال الدین، ۱۴۱۵: ۲۸۶)

ترجمه: ریشه‌هایت در بغداد، تشنه و گرسنه‌اند و سایه‌سارت در تهران عرب‌ها را در بر گرفته است. و خونی از قلب قحطان (عرب اصیل) رگ‌هایش را برای گردش پیدا نکرد، در نتیجه بلاد ایران را قلب خود قرارداد. ولی کسی که دو بال دارد، اگر روزی لانه‌اش را تنگ و ناخوشایند یافت، بر پهنه‌ی وسیع افق سوار شود.

جمال‌الدین در تحلیل اولیه برای پرداختن به حوادث معاصر، با پل زدن به قرن‌های گذشته در پی نوعی شباهت زایی است و این اقدام چه آگاهانه و چه غیرآگاهانه برای ما این مطلب را روشن می‌کند که امام خمینی همان شیخ مفید است. فشارهای همه‌جانبه و سختی‌های شیخ مفید در این راه‌نشان دهنده‌ی یکی بودن شخصیت این دو فقیه در نزد شاعر است.

جُدُورُكَ فِي بَغْدَادَ كَانَتْ مَنِيعَةً تَهَيَّبُهَا جَوْرُ السَّلَاطِينِ مُنْصَبًا  
يَطُوفُ بِهَارِكَبِ (الْخَلِيفَةُ) مَوْهِنًا مَخَافَهُ أَنْ تُؤْذِيَ إِذَا وَطِئَ التُّرْبَا

(جمال الدین، ۱۴۱۵: ۲۸۶)

ترجمه: ریشه‌هایت در بغداد محکم و غیرقابل دسترس بودند. به‌گونه‌ای که حاکمان ستمکار سریعاً از آن ترسیدند. خلیفه و همراهانش اهانت وار به دورش می‌گشتند و پا به زمین نمی‌گذازدند، از ترس این که اگر پای بر زمین بگذارند، آزرده شوند.

جمال‌الدین در این قصیده معتقد است ریشه‌های حرکت بیداری اسلامی که در عراق و در اندیشه‌ی شیخ مفید متبلور بوده، اکنون در ایران به رهبری امام خمینی به درختی تنومند مبدل شده و بر دیگر نقاط دنیا تأثیرگذار خواهد بود. او در مواردی به بیان این رابطه می‌پردازد که در ذیل به آن اشاره خواهد شد:

## ۵-۱. بازگشت به خویشتن:

از نظر شاعر، امام خمینی نمونه‌ی بارز و عملی بازگشت به خویشتن و یا همان بیداری

است، به گفته‌ی او امام با قدم برداشتن در مسیر شیخ مفید توانست به دوراندیشی و ایستادگی دست یازد:

جُدُورُكَ فِي بَغْدَادٍ شَقَّتْ فُرُوعُهَا ثَرَى الْغَىِّ حَتَّى عَمَّتِ الشَّرْقَ وَالْغَرْبَا  
تَرَضَّبَهَا فِي ثَغْرِ إِيرَانَ (رَهْبِرٌ) تَعَلَّمَ مِنْهَا الْحَزْمَ، وَالْمَوْقِفَ الصُّلْبَا  
(جمال‌الدین، ۱۴۱۵: ۲۹۰)

ترجمه: ریشه‌هایت در بغداد است، اما شاخه‌های این ریشه، خاک گمراهی را درنوردید تا این‌که شرق و غرب را در برگرفت و در لب‌های ایران رهبری آن را سر کشید که از این ریشه‌ها دوراندیشی و دیدگاه محکم را آموخت. استفاده از واژه‌ی غیرعربی «رهبر» در بیت بالا، نشان‌دهنده‌ی اثرپذیری شاعر از امام و ایران است. در واقع جمال‌الدین آن‌قدر خود را به محیط جدید نزدیک می‌بیند که تصمیم می‌گیرد نام این رهبر معنوی را به لفظ فارسی استعمال کند.

**۲-۵. احیای روحانیت:**

از منظر جمال‌الدین در جوامعی چون ایران و عراق که ملت، رسیدن به خواسته‌های خود را در کلام مرجعیت جستجو می‌کنند، نبودن شخصیتی که مردم را برانگیزاند، خود اولین عامل شکست است و امام فردی بود که پس از سال‌های طولانی نهاد روحانیت را احیا نموده و به جایگاه رهبری سیاسی دینی امت اسلام رسانید.

أَعَادَ لِأَمْجَادِ (الْعِمَامَةِ) دَوْرَهَا فَأَلْبَسَهَا دِرْعَ الْإِمَامَةِ وَالْعَضْبَا  
وَأَجْلَسَهَا فِي قِمَّةِ الْعَرْشِ وَحَدَّهَا لِيَعْرِفَ رَبُّ (التَّاجِ) أَعْلَاهُمَا كَعْبَا  
(جمال‌الدین، ۱۴۱۵: ۲۹۱)

ترجمه: نقش و عظمتی را که عمامه داشت به آن برگرداند و لباس امامت و شمشیر بران بر تنش پوشاند و عمامه را به‌تنهایی بر اوج قدرت نشاناند تا شاه صاحب تاج و تخت بفهمد که چه کسی بالاتر است.

**۳-۵. مرگ بیدارگر:**

جمال‌الدین رهبری را از آن‌کسی می‌داند که حتی مرگش بیدارگر انسان‌ها و برانگیزنده‌ی آن‌ها از غفلتی بزرگ باشد. وصف زیبا و شاعرانه‌ی او از جمله‌ی معروف امام خمینی است که فرمودند: «جام زهرآلود قبول قطعنامه را سر کشیده‌ام و در برابر عظمت و فداکاری این ملت بزرگ احساس شرمساری می‌کنم» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۹۳) و تشبیه امام به

سقراط که جام زهر را سر کشید، تصویری زیبا و تکان‌دهنده را برای مخاطب به نمایش می‌گذارد:

وَنَمِ يَا أَخَا (سُقْرَاطَ) جَفْنَا فَاِنَّمَا تَجَرَّعَتِ كَأْسَ السَّمِّ كِي تُوقِظَ الْهَدْبَا  
(جمال‌الدین، ۱۴۱۵: ۲۹۱)

ترجمه: بخواب ای برادر سقراط و پلکت را ببند، چراکه تو جام زهر را سر کشیدی تا مژه‌ها(مردم) بیدار بمانند.

استفاده‌ی شاعر از واژه‌ی «نم»، به معنای اطمینان دادن به امام در جهت ادامه‌ی راهی است که مسلمانان در سال‌های بعد خواهند پیمود و در واقع به معنی آسوده بخواب هست. از سوی دیگر شاعر بعد از نم جفناً را می‌آورد تا با تکنیک بازخورد در شعر خود:

كَأَنَّكَ لَمْ تَبْرَحْ، إِلَى الْآنَ، وَاقْفَاً عَلَى الْكُرْخِ مِنْ بَغْدَادِ، تَسْتَطِيعُ الدَّرْبَا  
(جمال‌الدین، ۱۴۱۵: ۲۸۶)

نشان دهد که تنها بدن او به خواب رفته و اگر چه چون شیخ مفید از میان ما رفته ولی برای نسل‌های آینده برخوردار خواهد خواست و نقش هدایت‌گرانه را به عهده خواهد گرفت.

#### ۴-۵. بیداری امت‌های اسلامی

امام خمینی و جمهوری اسلامی در سال‌های جنگ رژیم بعثی عراق علیه ایران در حمایت از مهاجرین عراقی نقشی تأثیرگذار ایفا نمودند، چنانکه ناظران سیاسی در مورد ایران و حمایت رهبری از شیعیان عراق در این ایام می‌گویند: «ایران به آن‌ها [مبارزان و مجاهدان عراقی که در این سال‌ها به ایران مهاجرت کرده بودند] اجازه داد سازمان‌دهی شوند و یا خود دست به سازمان‌دهی آن‌ها زدند. در شکل‌های مختلف، از جبهه گرفته تا به صورت گروه‌های چتری (هماهنگ‌کننده) که ندای [امام] خمینی برای ولایت فقیه را در آغوش گرفتند (Crisis Group, 2007). از این رو است که محققان معتقدند مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده فرصت‌های جمهوری اسلامی ایران ارائه‌ی روایتی اصیل از اسلام سیاسی است که در بین مردم منطقه طرفدار دارد؛ زیرا پس از صدها سال تحقیری که بر مسلمانان منطقه حاکم بود، با فراخواندن آن‌ها به بازگشت به اسلام اصیل خاطره خودباوری، عزت، سرافرازی و تاریخ شکوهمند گذشته، در آن‌ها زنده شده است (امینیان، ۱۳۹۰). جمال‌الدین نیز تأثیرگذاری امام خمینی و نظام جمهوری اسلامی ایران را در بیداری امت اسلامی این‌چنین بیان می‌کند که اگرچه امام درگذشت، اما حرکت اسلامی او از مصر تا

مغرب را در برگرفته است.

جذورك في بغداد شقت طريقها و طار بها (الروح) الخميني إذ سبنا  
فَحَطَّتْ عَلَيَّ (مصر) و لَمَّتْ بِ(تونس) و أحدث في (وهران) (خرطومها) ثقباً  
(جمال الدين، ۱۴۱۵: ۲۹۱).

ترجمه: ریشه‌های تو در بغداد راه خود را باز کرد و روح‌الله زمانی که به پیری رسید، با آن پر کشید. این ریشه‌ها در مصر ساکن شد و به گرد تونس پیچید و پس از آن خرطوم (که از این ریشه‌ها برآمده) در وهران باعث حادثه شد.

#### ۵-۵. جنبش علما:

وقتی که دولت عباسیان از شیخ مفید و شاگردانش درخواست کرد که نسب علوی فاطمیان مصر را منکر شوند، سید رضی [شاگرد شیخ مفید] در دفاع از فاطمیان اینگونه سرود:

ما مُقَامِي عَلِيَّ الْهَـٰوَانِ وَ عِنْدِي مَقْـُـوْلٌ صَارِمٌ وَ أَنْفٌ حـَـٰمِي  
(السید الرضی، ۱۳۰۹، ج ۲: ۹۷۲)

ترجمه: هرگز در موقعیت خواری نمی ایستم و گفته‌هایم محکم است و من انسانی با اصل و نسبم.

در شرایطی که صدام از روحانیت عراق می‌خواهد که ضد ایران موضع بگیرند، جمال‌الدین خود و آیت‌الله صدر را در جایگاه سید رضی و مرتضی می‌بیند و در نتیجه چاره را ادامه‌ی این راه می‌داند. شهید صدر همچون امام به امور زیربنایی برای تشکیل حکومت اسلامی در عراق دست‌زده بود و اگر امام نظریه‌ی ولایت‌فقیه را بنا نهاد، او نیز با نوشتن کتاب‌هایی نظیر فلسفه‌ی ما و اقتصاد ما در پی برپایی حکومت اسلامی بود. خط فکری [آیت‌الله] صدر بسیار شبیه تفکرات آیت‌الله خمینی بود (Schmidt, 2007). شهید صدر نیز مانند امام، مسلمین را به ادامه‌ی جهاد مبارزه برای ایجاد یک حکومت صالح، منحصربه‌فرد، شرافتمندانه و بر اساس اسلام تشویق می‌نمود. و به همین دلیل است که برخی از محققان از صدر به‌عنوان «خمینی دیگر» (Duss, Juul, 2009) نام برده‌اند.

جمال‌الدین با این پیش‌زمینه‌ی فکری همان‌گونه که در ابتدای بحث آمد از تایید جنگ عراق علیه ایران امتناع می‌کند و در استغاثه با امام رضا (ع)، شهید صدر را - که در نزد امثال او همان امام خمینی است - مظهر مبارزه می‌داند:

و نادى (الرضى) (المرضى): ما مُمَامُنَا؟ و هذا (الرضا) هَلَّتْ كَتَائِبُهُ الشَّهْبَا  
(جمال الدين، ۱۴۱۵: ۲۸۸).

ترجمه: سیدرضی به برادرش مرتضی گفت: در برابر فشارها چه کنیم؟ حال آنکه لشکریان  
خاکستری‌رنگ امام رضا است که از دور پدیدار است.

أَتِيْنَاكَ وَ الثَّارَاتُ حُمُرٌ وَ فَوْقَهَا دُمٌ (الصدر) تَجْلُو نَارُهُ اللَّيْلَ وَ الْكَرْبَا  
(جمال الدين، ۱۴۱۵: ۲۸۹).

ترجمه: به سوی تو آمدیم و انتقام‌های ما خونین است و در بالاترین نقطه خون شهید  
صدر است که آتش این خون شب را روشن و اندوه را می‌زداید.

### نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب گفته‌شده نتایج ذیل حاصل می‌شود:

۱. عمده‌ترین تفکرات امام در آغاز حرکت بیداری اسلامی عبارت‌اند از عاملیت غرب در  
غفلت مسلمانان، سپردن علم بیداری اسلامی به دست مردم هر کشور، لزوم جهانی شدن  
حرکت بیداری اسلامی.

۲. جمال‌الدین در بستر التزام دینی و الهام از اندیشه‌های امام و انقلاب اسلامی راهکار  
مناسب برای برچیدن بساط ظلم و ستم در عراق را بازگشت به خویشتن و بیداری  
اسلامی می‌داند.

۳. جمال‌الدین، از رهگذر مذهب و موقعیت اجتماعی و با بهره‌مندی از موهبت شاعرانه‌ی  
خود، اندیشه‌های بیداری اسلامی امام خمینی را در اشعارش به‌ویژه قصیده معلم الامه  
بازتاب می‌دهد.

۴. در دیوان جمال‌الدین، نگاه امام خمینی در مورد غرب، مبارزه با استکبار، برپایی  
حکومت عدل و برکناری حکومت طاغوت به‌خوبی بیان‌شده است.

۵. به نظر می‌رسد، حضور امام در سال‌های تبعید در عراق و نزدیکی آیت‌الله صدر با  
وی، یکی از دلایل مؤثر در گرایش نسل جدید متفکران شیعه عراق به اندیشه‌های امام  
خمینی بوده است.

## یادداشت‌ها:

۱. قیام سراسری مردم عراق در سال ۱۹۹۱ که توسط رژیم بعث سرکوب شد.
۲. دومین شهر الجزایر که در سال‌های دهه ی ۱۹۵۰ ضد استعمار فرانسه به پا خواست و با حمایت مردم عرب، به خصوص شیعیان عراق رو به رو شد.
۳. در رژیم بعث تلاش‌های گسترده‌ای در جهت اثبات عرب نبودن شیعیان جنوب عراق انجام شد. تا جایی که به آن‌ها نسبت سومری، هندی و ترکمنی دادند که در قصیده ی یقظان شاعر به آن پرداخته است.
۴. هوامش علی محنة الشیعة فی العراق.



## منابع

- امینیان، بهادر (۱۳۹۰)، محیط امنیتی ایران و تحولات بیداری اسلامی، *فصلنامه آفاق امنیت*، (زمستان ۱۳۹۰)، شماره ۱۳، ص ۱۸-۵.
- جمال الدین، مصطفی (۱۴۱۵ ه.ق)، *الدیوان*، بیروت: دار المورخ العربی.
- جمال الدین، مهتد (۱۴۱۸ ه.ق)، *سید النخیل المقفی*، قم: المكتبة الادبیة المختصة.
- حلاق، یوسف (۱۹۶۸)، *عود إلى مسألة الالتزام فی الأدب*، آذر ۱۹۶۸، المعرفة، العدد ۷۳.
- خضر، عباس (۱۹۷۳)، *الحریة و الالتزام*، یونیه ۱۹۷۳، الجدید، العدد ۳۵.
- خمینی [امام]، سیدروح الله (۱۳۷۸)، *صحیفه امام*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰)، *ولایت فقیه*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ بیست و چهارم.
- سبحانی، جعفر (۱۳۷۲)، شیخ مفید، متکلمی توانا و محدثی محقق، *ویژه نامه شیخ مفید؛ روزنامه جمهوری اسلامی*، فروردین ۱۳۷۲، ص ۱۴-۹.
- السید الرضی (۱۳۰۹)، جزآن، *دیوان السید الرضی*، المصحح: محمد بن سلیم اللبابیدی، بیروت
- شیروودی، مرتضی (۱۳۸۳)، *اندیشه های سیاسی مسلمانان*، تهران: یاقوت، چاپ دوم.
- علیخانی، علی اکبر (۱۳۹۰)، *اندیشه سیاسی متفکران مسلمان*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، جلد هجدهم.

- المتنبی (۱۹۸۳)، *دیوان المتنبی*، بیروت: دار بیروت للطباعة و النشر.
- معموری، علی (۱۳۷۹)، *نظریه سیاسی شهید سید محمد باقر صدر*، قم: اشراق.
- موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۷۴)، *صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تبیان جلد ششم.
- نجفی، موسی (۱۳۸۸)، *انقلاب فرامدرن و تمدن اسلامی* (موج چهارم بیداری اسلامی)، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ دوم.
- \_\_\_\_ (۱۳۹۱)، مراتب اندیشه آزادی در تکامل بیداری اسلامی، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، زمستان ۱۳۹۱، شماره ۳۱، ص ۵۲-۳۶.
- Schmidt, Søren (2008), *Shia-Islamist political actors in Iraq*, Danish institute for international studies, DISS report, march, 2008.
- Crisis Group (2007), *Shiite politics in Iraq: The role of the supreme council*, Middle East Report N°70 – 15, November, 2007.
- Duss, M. and Juul, P. (2009), *The Fractured Shia of Iraq*, January, 2009, from [www.americanprogress.org](http://www.americanprogress.org)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی